

مصدق شناسی «اهل بیت» در قرآن و سنت

محمد رضا کیخا

عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

از آنجا که در قرآن کریم و روایات پیامبر اسلام (ص)، واژه ی «اهل بیت» زیاد به کار رفته و برای آنها فضایل فراوانی بیان شده است و از مسلمانان خواسته شده است که به آنها تمسک کنند، این سؤال مطرح می شود که مصداق حقیقی و مورد نظر از واژه ی «اهل بیت» در قرآن و سنت چه کسانی هستند؟ در واقع یک مسلمان با درک درست و صحیح این واژه، می تواند با پیروی کردن از آنها سعادت خود را تضمین نماید و راه انحراف را بر خود ببندد.

در مورد این مسأله هفت نظریه وجود دارد، که از آن میان دو نظریه طرفداران بیشتری را به خود اختصاص داده است، نظریه ی اول این که «اهل بیت» شامل آل کساء به همراه همسران پیامبر (ص) می باشد. نظریه ی دیگر می گوید: «اهل بیت» در معنای حقیقی متشرعه خود فقط آل کساء را در بر می گیرد.

در این مقاله پس از نقد و بررسی نظریات مختلف، نظریه ی هفتم، یعنی نظریه ی که می گوید، مراد از «اهل بیت» فقط آل کساء است به استناد ادله روایی و عقلی و منطقی، مورد پذیرش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اهل بیت - آل - تطهیر - قری - آل کساء - همسران

طلیحه

هر مسلمان آگاه به آیات کریمه ی قرآن و روایات پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به حتم به واژه ی « اهل بیت » برمی خورد، با توجه به اینکه این روایات انسان را دعوت به اطاعت و محبت و دوری از دشمنی نسبت به آنها می نماید - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: « هرگز از محبت اهل بیت من غافل نشوید که هر کس با آن خدا را ملاقات کند، با شفاعت داخل بهشت می شود » (هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۲. (به نقل از کتاب علی در کتب اهل سنت از سید محمد باقر همدانی ص ۱۹۸). - حاکم نیشابوری از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: « به آن خدائی که جانم به دست اوست، احدی از ما اهل بیت را دشمن نمی دارد مگر آنکه خدا داخل آتشش می کند ». (حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۰. (به نقل از کتاب علی در کتب اهل سنت از سید محمد باقر همدانی ص ۱۹۹).

- پس بر هر مسلمانی لازم است بداند مراد از « اهل بیت » چه کسانی هستند، تا با اطاعت از آنها و قرار دادن محبت آنها در روح و روان و دل خود به شفاعت آنها نایل گردد و خدای ناکرده ندانسته به دشمنی با آنها نپردازد که این خسران مبین خواهد بود.

بنابراین در این مقاله به بررسی واژه ی « اهل بیت » از نظر مفهوم و مصداق می پردازیم تا با عنایت حق تعالی و معرفت صحیح و با پیروی از آنها بتوانیم امت اسلامی پیشرو داشته باشیم.

اهل بیت از دیدگاه لغویون

این واژه مرکب از دو کلمه « اهل » و « بیت » است. هر کدام از این ها مفهوم خاص خود را دارد. واژه ی اهل با توجه به علاقه ی شدیدی که به مضاف الیه خود دارد، موارد استعمال مختلفی به خود می گیرد مثل: (۱) اهل کتاب (۲) اهل اسلام (۳) اهل رجل (۴) اهل آبادی (۵) اهل بیت. همه لغویون متفقند بر این که واژه « اهل » و « آل » دو کلمه به معنای واحد هستند. (سبحانی، مفاهیم قرآن، ج ۵، ص ۲۷۷).

علامه ابن منظور می گوید: آل الرجل: اهله و آل الله و آل رسوله: اولیاءه، اصلها اهل ثم ابدلت لها، همزة فصارت فی التقدير «أل» فلما توالى الهمزتان ابدلوا الثانية الفاء. كما قالوا: آدم و آخر، و فی الفعل آمن و آزر.

سپس می گوید: اهل البیت: سکانه، و اهل الرجل اخص الناس به، و اهل بیت النبی، ازواجه و بناته و صهره، اعنی علیاً (علیه السّلام)، و قیل: نساء النبی و الرجال الذین هم آله. (لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۹، نثر ادب الحوزه ۱۴۰۵ ه.ق.)

اما ابن فارس از قول خلیل ابن احمد نقل می کند که: اهل الرجل زوجه، و التأهل: التزوج و اهل الرجل: اخص الناس به و اهل البیت: سکانه و اهل الاسلام من یدین به. (معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۵۰)

صاحب قاموس می گوید: اهل الامر، والیان امرند، و اهل البیت، ساکنان آن، و اهل المذهب، عقیده مندان به آن و اهل الرجل به همسر او گفته می شود مثل «اهله» و اهل النبی: همسران او و دختران او و داماد او علی (علیه السّلام) یا زنان او و مردانی که آل او هستند. (فیروز آبادی، القاموس المحيط، ج ۳، ص ۳۳۱)

بنابراین از کلام بزرگان اهل لغت معلوم می شود که مفهوم «اهل البیت» در لغت، کسانی هستند که ارتباط قوی و ثابتی با «بیت» داشته باشند، و اهل الرجل: کسانی هستند که به واسطه ی نسب یا سبب یا غیر آن دو با فرد ارتباط داشته باشند، و اختصاص به همسران فرد ندارد.

اهل بیت از دیدگاه قرآن و سنت

حال موضوع را از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار می دهیم که آیا قرآن از واژه «اهل بیت» همانند لغویون، هر کسی که وابسته به «البیت» باشد را اراده کرده، اعم از همسران و فرزندان یا این که در این جا قرائن خاصی وجود دارد که فقط برخی از منتسبین به «البیت» را اراده کرده است.

اولاً: کلمه ی «اهل البیت» سه مرتبه در قرآن به کار رفته است و آنها عبارتند از:

الف) در قصه ی حضرت ابراهیم (علیه السلام): «أَتَعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةً اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». (هود / ۱۱ / ۷۳) که در این جا مراد از «اهل البیت» حضرت ابراهیم (علیه السلام) و همسر او می باشد.

ب) در قصه ی موسی (علیه السلام): «هَلْ أَذِلُّكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ» (قصص ۲۸ / ۱۲) که مراد از اهل البیت در این جا یک خانواده است بدون این که افراد آن مشخص باشد.

ج) در آیه تطهیر: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». (احزاب ۳۳ / ۳۳)

موضوع بحث ما واژه «اهل البیت» در همین آیه است چرا که در ارتباط با پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می باشد.

مفسران اسلامی در مورد این که مراد از «اهل البیت» در این آیه چه کسانی هستند اختلاف نظر دارند. مجموع آنها هفت نظریه است.

۱) مراد از «اهل البیت» در این آیه فقط پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است. (ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۴۳، مؤسسه ی الرساله - بیروت - ط ۱ / ۱۴۱۷ ه.ق)

۲) مراد از «البیت» در این آیه «بیت الله الحرام» است و مراد از «اهل»، کسانی هستند که در اطراف آن خانه مقیم هستند. (تفسیر طبری، ج ۲۲، ص ۵-۷. (به نقل از مفاهیم القرآن ج ۵ ص ۳۱۰)

۳) مراد از «البیت» در این جا مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) است و مراد از «اهل» کسانی هستند که در اطراف مسجد خانه دارند و خانه های آنها دربی به درون مسجد دارد. تفسیر قرطبی، ج ۱۴، ص ۱۸۲. (به نقل از مفاهیم القرآن ج ۵، ص ۳۱۰)

۴) مراد از «اهل البیت» در این جا تنها همسران پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می باشد. (سیوطی، درالمنثور، ج ۵، ص ۱۹۸، دارالکتب العلمیه - بیروت - ط ۱ / ۱۴۱۱ ه.ق)

۵) مراد از «اهل البیت» خویشاوندان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) که صدقه برای آنها حرام است. مثل آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس. (صحیح مسلم، ج ۴: ۳۶/۱۸۷۳، دار ابن حزم - بیروت - ط ۱ / ۱۲۱۶ ه.ق)

۶) مراد از «اهل البیت» در این مورد، اهل کساء (علیه السلام) به همراه همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد. (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۹۲ دارالمعرفه بیروت).

۷) مراد از «اهل البیت» در آیه تطهیر اهل کساء یعنی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)، حضرت علی (علیه السلام)، حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حضرت امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) می باشند. (تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۸۴، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی سال ۱۳۶۳- قم)

تحقیق و بررسی نظریه ها

نقد نظریه ی اول: که مراد از «اهل البیت» را فقط پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می داند، نظریه ای بسیار ضعیف است که هیچ یک از علماء اعتمادی به آن ندارد و کوچکترین دلیل معتبر نیز به همراه ندارد، علاوه بر این که این نظریه با معنای لغوی و احادیثی که بعداً می آید نیز مخالف است. (محمد علی خان المدنی، حقوق اهل البیت فی القرآن، ص ۱۵: اصدار مرکز الرسالة ۱۴۲۳/۱ ه.ق، قم)

نقد نظریه ی دوم و سوم: این دو هم نظریه های ضعیفی هستند زیرا اطلاق «اهل البیت» و استعمال آن در اهل مکه و مدینه استعمالی بعید است که بدون قرینه ی قطعی کلام بر آن حمل نمی گردد. علاوه براین که آنچه از کلمه «اهل البیت» متبادر است عبارت است از: «اهل البیت الرجل» این لفظ در دو مورد دیگری که در قرآن کریم آمده نیز به همین صورت جریان دارد یعنی در قصه ابراهیم (علیه السلام)، قال سبحانه: «قَالُوا اَتَعْجِبِينَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ وَرَحْمَتِ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتِهِ عَلَیْکُمْ اَہْلِ الْبَیْتِ» (هود/۷۲) و در قصه ی حضرت موسی (علیه السلام)، قال سبحانه: «هَلْ اَدَلَّکُمْ عَلٰی اَہْلِ بَیْتِ یَکْفُلُوْنَهٗ» (قصص/۱۲)

همچنین با توجه به این که آیه در سیاق سخن گفتن با زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، پس منصرف شدن از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ارجاع دادن آیه به همسایه های بیت الله یا مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) با ظاهر آیات اصلاً سازگاری ندارد. (سبحانی، مفاهیم القرآن، ج ۵، ص ۳۱۱ - موسسه ی سیدالشهداء، قم - ۱۴۰۷ ه.ق)

نقد نظریه ی چهارم: که به این مطلب اشاره داشت که مراد از «اهل البیت» فقط همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد. صاحب این نظریه به اخبار زیر استناد کرده است:

- سیوطی در درالمتثور: ابن ابی حاتم و ابن عساکر از طریق عکرمه از ابن عباس که

گفته: «انما یرید الله...» قال: نزلت فی نساء النبی (صلی الله علیه و آله) (درالمنثور، ج ۵، ص ۱۹۸)

- طبری از طریق «علقمه» نقل می کند که عکرمه در بازار فریاد می زد: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس...» نزلت فی نساء النبی (صلی الله علیه وآله). (تفسیر الطبری، ج ۲۲، ص ۸ و ۷)

- سیوطی می گوید: ابن سعد از عروۀ بن زبیر نقل می کند که او گفته است: «انما یرید الله...» قال: نزلت فی ازواج النبی فی بیت عایشه. (درالمشور ج ۵، ص ۱۹۸. به نقل از مفاهیم القرآن ج ۵، ص ۲۹۶)

اما این نظریه به دلائلی قابل قبول نیست. اولاً: این روایات از نظر سند ضعیف است، زیرا در سند آنها افرادی هستند که مجهول و متروکند یا قبح شده اند. از آن جمله «صالح بن موسی» است که «ابن معین» وی را موثق ندانسته و «ابو نعیم» وی را متروک دانسته است. همین گونه است «ابو یحیی حمانی و خصیف» که دو فرد دیگر از رجال احادیث مذکور می باشند. (رک: تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۲۰، ج ۳، ص ۱۴۳ و ۱۴۴؛ دلائل الصدق، ج ۱، ص ۸۴) علاوه بر این که نقل این گونه روایات از ابن عباس ثابت نشده است، زیرا با نقل های دیگری از ایشان متعارض است. مثلاً سیوطی در درالمشور نقل می کند که: ابن مردویه از ابن عباس نقل کرد که او گفته است: شهدنا رسول الله (صلی الله علیه وآله) تسعة أشهر یأتی کل یوم باب علی بن ابی طالب عند وقت کل صلاة فیقول: السلام علیکم ورحمة الله و بركاته اهل البیت «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً».

و نیز حاکم حسکانی در شواهد التنزیل به سندی که به ابی صالح از ابن عباس منتهی می شود نقل می کند که ابن عباس می گوید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس...» نزلت فی رسول الله (صلی الله علیه وآله) و علی و فاطمه و الحسن و الحسین. والرجس: الشک. (شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۰ - همچنین این گونه روایات توسط علامه اسماعیل نقشبندی در مناقب العشرة ج ۱۴، ص ۵۲، و در کتاب ارجح المطالب، ص ۵۴، چاپ لاهور و موارد دیگر نقل شده است)

ثانیاً: عکرمه که از جمله روات این اخبار است مورد طعن علماء، جرح و تعدیل می باشد. افرادی مثل: امام شمس الدین ذهبی در دو کتابش، تذکره الحفاظ و سیر اعلام النبلاء ج ۵، ص ۱۸-۲۲ و محمد بن سیرین و اصلاً ایشان نزد بسیاری از بزرگان به فردی کذاب معروف بوده است. او از خوارج و از موالی ابن عباس است. (به طبقات ابن سعد ج ۵، ص ۲۸۷ مراجعه کنید.)

اما عروه بن زبیر، در عدم حجیت قولش، دشمنی او با علی (علیه السلام) کفایت می کند. ابن ابی الحدید نقل می کند از جریر بن عبدالحمید از محمد بن شیبه که گفت: در مسجد مدینه زهری و عروه بن زبیر نشسته بودند و از علی (علیه السلام) یاد می کردند، و او را دشنام می دادند، یا نقل می کند که: عاصم بن ابی عامر بجلی از یحیی بن عروه نقل می کند که گفت: پدر من هر گاه یاد علی (علیه السلام) را می کرد او را ناسزا می گفت. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۰۲، طبع جدید. (به نقل از مفاهیم القرآن ج ۵، ص ۳۰۰). خلاصه این که سند این روایات ضعیف و غیر قابل قبول می باشد.

ثالثاً: بنا بر آنچه گفته شد این نظریه از هیچ یک از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل نشده است. (سید علی حسینی میلانی، آیه التطهیر، ص ۱۶، مرکز العقائده - ط ۱۴۲۱/۱ ه. ق. قم.)



رابعاً: احادیث صحیح و معتبری که مورد اتفاق بین مسلمانان است و خواهد آمد این نظریه را رد می کند.

خامساً: در آیه ضمیر مذکر (عنکم) وجود دارد که نمی توان آن را به همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) ارجاع نمود.

اشکال: برخی از مفسرین اهل سنت می گویند چون آیه تطهیر متصل است به خطابات به ازواج پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از روی وحدت سیاق باید آیه تطهیر هم خطاب به آنها باشد. جواب: اولاً خواهد آمد که برخی از خود زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) تصریح دارند که مراد از این آیه آنها نیستند. و ثانیاً نظم و سیاق وقتی حجت است که جمله ی متأخره با جمله ی مقدمه لفظاً و معنأ مغایرت نداشته باشد و در این جا آیه تطهیر با صدر آیه لفظاً و معنأ مخالفت دارد. اما لفظاً صدر آیه ضمیر جمع مؤنث (قرن) ذکر شده و در آیه ی تطهیر ضمیر جمع مذکر (عنکم) آمده است. و اما معنأ پس در صدر آیه که مخاطبه با ازواج است مشتمل بر معاتبه و تهدید می باشد و ذیل آیه که خطاب به «اهل بیت» می باشد، تطف و مبالغه در اکرام است و مابینت تا مه بین صدر و ذیل آیه گواهی است آشکار بر این که مورد هر دو یکی نیست. (۸۲ پرسش از شهید دستغیب، ص ۹۷، ط ۱۳۶۰/۷۷، مش، انتشارات مسجد جامع عتیق شیراز) و ثالثاً شکی نیست که سیاق از اموری است که مراد از آیه را کشف می کند و وسیله ای است برای فهمیدن آنچه از آیه اراده شده است، اما حجت بودن او زمانی است که دلیلی قویتر بر خلافش اقامه نشده باشد.

بنابراین اگر دلیل قویتری بر خلاف وحدت سیاق وجود داشته باشد ما از وحدت سیاق و قرینه بودن سیاق دست بر می داریم. به عبارت دیگر اعتماد بر سیاق هنگامی تمام است که نصی بر خلاف آن نباشد. حال آن که نصوص متعدد وجود دارد - بیش از ۷۰ روایت - که این آیه تطهیر مخصوص پنج تن آل عبا است. علاوه بر این که دلایل قطعی نیز وجود دارد که ثابت می کند آیه ی تطهیر به طور مستقل نازل شده است، و بعداً در بین آیه مربوط به ازواج النبی (صلی الله علیه وآله) قرار گرفته است.

دلیل اول: علامه طباطبائی (ره) می فرماید: روایات وارده نشان می دهد که این آیه (تطهیر) به تنهایی و در یک واقعه ی جداگانه نازل شده، و حتی در بین این هفتاد روایت، یک روایت هم وجود ندارد که بگوید: آیه ی شریفه دنبال آیات مربوط به همسران رسول خدا (صلی الله علیه

وآله نازل شده و حتی احدی از مفسرین هم این حرف را نزده است، حتی آنها هم که گفته اند آیه ی مورد بحث مخصوص همسران رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است، مانند عکرمة و عروة بن زبیر اینها هم نگفته اند: آیه ی تطهیر در ضمن آن آیات نازل شده. پس آیه ی مورد بحث از جهت نزول جزو آیات مربوط به همسران رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و متصل به آن نیست، حال یا این است که به دستور رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دنبال آن آیات قرارش داده اند، یا بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) اصحاب در هنگام تألیف آیات قرآنی در آن جا نوشته اند (ترجمه ی تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۸۷)

اشکال: اما اگر گفته شود چگونه می شود آیه ای صدر و ذیلش در مورد افراد خاص سخن بگوید و وسط آن در مورد افراد خاص دیگر؟

جواب: همان گونه که مرحوم طبرسی در مجمع البیان و علامه طباطبائی در المیزان و آیت ... سبحانی در مفاهیم القرآن و شیخ محمد عبده در المنار اشاره می کنند: این اولین بار نیست که در آیات قرآن به آیاتی برمی خوریم که در کنار هم قرار دارند اما از موضوعات مختلفی سخن می گویند؛ بلکه قرآن پر است از اینگونه بحث ها؛ همچنین در کلام فصیحای عرب و اشعار آنان نیز نمونه های فراوانی برای این موضوع موجود است.

از امام صادق (علیه السلام) نیز روایت شده است که فرموده است: «انَّ الْآیَةَ مِنَ الْقُرْآنِ یُکُونُ أَوْلَهَا فِی شَیْءٍ وَ آخِرَهَا فِی شَیْءٍ». (الکاشف، ج ۶، ص ۲۱۷، به نقل از مفاهیم القرآن ج ۵، ص ۳۰۵)

به یک نمونه از اینگونه آیات اشاره می کنیم: خداوند متعال در سوره ی یوسف به نقل از عزیز مصر این گونه می فرماید: «إِنَّهُ مِنْ کِبِدَکِنَّ عَظِیمَ یُوسُفَ أَعْرَضَ عَنِ هَذَا وَ اسْتَغْفِرُ لَذَنْبِکَ أَنْکَ کُنْتَ مِنَ الْخَاطِئِینَ». (یوسف/ ۲۸ و ۲۹) می بینیم عزیز مصر اولاً زنش را مورد خطاب قرار می دهد و قبل از آنکه از کلامش فارق شود حضرت یوسف را مخاطب قرار می دهد: «یوسف أَعْرَضَ عَنِ هَذَا» سپس دوباره به موضوع اول بر می گردد: «وَ اسْتَغْفِرُ لَذَنْبِکَ أَنْکَ...».

علاوه بر آن می توان گفت این که قرآن آیه ی تطهیر را در لابه لای بحث زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) آورده است، هدف داشته و آن این است که می خواهد به همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) بگوید: شما در میان خانواده ای قرار دارید که گروهی از آنان معصومند کسی که در زیر سایه درخت عصمت و در کانون معصومان قرار گرفته سزاوار است که بیش از دیگران

مراقب خود باشد و فراموش نکنید که انتساب آنها به خانواده ای که پنج معصوم پاک در آن است مسوولیت های سنگینی برای آنها ایجاد می کند، و خدا و خلق خدا انتظارات فراوانی از آنها دارند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۵، دارالکتب الاسلامیه، سال ۱۳۶۳ ه.ش)

دلیل دوم: همان گونه که قبلاً هم اشاره شد، لسان آیات وارده در مورد همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) لسان انذار و تهدید است: «یا نساء النبی من یأت من کنّ بفاحشۃ مبینة یضعف لها العذاب» (احزاب/۳۲) و لسان آیه ی تطهیر که مربوط به اهل البیت است لسان مدح و ثنا می باشد: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» (احزاب/۳۳) پس این دو آیه را یک آیه قرار دادن و ارجاع آن به همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) از چیزهایی است که ذوق سلیم آن را نمی پذیرد. (مفاهیم القرآن، ج ۵، ص ۳۰۷)

دلیل سوم: دلیل دیگر بر مستقل بودن آیه ی تطهیر این است که هنگامی که آیه ی ۳۳ سوره ی احزاب را ملاحظه می کنیم، می بینیم اگر آیه ی تطهیر (انما یرید الله ...) را بر داریم و فرض کنیم که اصلاً جزو آن نیست و آیه ی ۳۳ را منضم به آیه ی ۳۴ کنیم آیه ی نام برده کمال اتصال و انسجام را دارد و اتصالش به هم نمی خورد. دقت بفرماید:

الف: و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى و اقم الصلاة و آتین الزکاة و اطمن الله ورسوله (احزاب/۳۳)

ب: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً (همان)

ج: واذکرن ما یتلی فی بیوتکن من آیات الله و الحکمة ان الله کان لطیفاً خبیراً. (همان/۳۴)

حال اگر قسمت 'ب' برداشته شود و قسمت 'الف' را به قسمت 'ج' ضمیمه کنیم می بینیم که آیه تامه است و هیچ گونه خللی در معنا و نظم آن بوجود نمی آید، این خود دلیل دیگری بر مستقل بودن آیه تطهیر می باشد (تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۸۷، مفاهیم القرآن ج ۵، ص ۳۰۷)

نقد نظریه پنجم: نظریه ی پنجم می گفت که مراد از «اهل البیت»، خویشاوندان پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) که صدقه برای آنها حرام است می باشد، مانند: آل علی (علیه السلام)، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس.

این دیدگاه از زید بن أرقم روایت شده و متوقف به او و مختص به او است. بنابراین در باب خودش شاذ و نادر است و بقیه ی اقوال صحابه بر خلاف آن می باشد علاوه بر این که با

صریح اخبار متواتری که مراد از «اهل البیت» را در آیه مشخص می کنند، مخالف می باشد. به همین جهت معلوم می شود این دیدگاه، از اجتهاد زید بن ارقم است، که می شود اجتهاد در برابر نص و قابل تبعیت نیست. البته شاید زید معنی لغوی «اهل البیت» را اراده کرده باشد، نه معنای شرعی متواتر را. (محمد علی خان المدنی، حقوق اهل البیت فی القرآن الکریم، ص ۱۵، مرکز الرساله، قم، ط ۱۴۲۳/۱ ه. ق.)

اصل روایت این چنین است:

صحیح مسلم در کتاب فضایل الصحابه باب فضایل علی (علیه السلام) بسند خود را از یزید بن حیان روایت کرده که گفت: من و حصین بن سبره و عمر بن مسلم به دیدن زید بن ارقم رفتیم همین که نشستیم، حصین گفت ای زید تو خیر بسیار از عمرت دیده ای چون دوران رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رادرک کرده ای، احادیث او را شنیده و با او جنگ ها رفته ای و سالها دنبال سرش نماز خوانده ای، حال از این خیر بسیار چیزی برای ما حدیث کن که از رسول خدا شنیده ای گفت ای برادر زاده به خدا سوگند پیر شده ام و رفتنم نزدیک شده و من پاره ای از احادیث که از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شنیدم و حفظ کردم فراموش نموده ام؛ لاجرم آنچه خودم برایتان می خوانم حفظ کنید، ولی چیز دیگری از من نپرسید. آنگاه گفت: روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) کنار آبی که آن را خم می گفتند و بین مکه و مدینه قرار دارد در میانه ی ما به خطبه ایستاد و پس از حمد خدا و ثنای بر او موعظه و تذکراتی فرمود: « آگاه باشید ایها الناس که من از آن جایی که فردی از بشر هستم احتمال می رود به زودی فرستاده ی پروردگارم برای قبض روحم برسد و من اجابت کنم؛ و من میان شما برای بعد از خودم دو چیز گران می گذارم که اول آن دو، کتاب خداست که در آن هدایت و نور است، پس کتاب خدا را بگیرید و بدان تمسک کنید - و بسیار مردم را بر کتاب خدا تحریک و تشویق فرمود- آنگاه فرمود: دومی آن دو اهل بیت من است؛ من خدا را درباره ی اهل بیتم یادآوریتان می کنم باز هم من خدای را درباره ی اهل بیتم یادآوریتان می کنم.»

حصین در این جا از زید پرسید: اهل بیت او کیانند؟ آیا زنان آن حضرت جزو اهل بیت او

نیستند؟

گفت: زنانش اهل خانه ی او هستند ولكن اهل بیت او کسانی هستند که بعد از وی صدقه برایشان حرام است.

پرسید: کیانند؟ گفت: آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباسند.

پرسید: صدقه بر همه ی نام بردگان حرام است؟ گفت: آری (این روایت را مسلم به سندهای

دیگر از زید بن ارقم نقل کرده، همچنین احمد بن حنبل در مسند خود ج ۴، ص ۳۶۶ و بیهقی در سنن خود ج ۲، ص ۱۴۸ و ج ۷، ص ۳۰ با مختصری اختلاف آورده اند. دارمی هم آن را در سنن خود ج ۲، ص ۴۳۱ و متقی در کنز العمال ج ۱، ص ۴۵ و به گفته ی وی عبد ابن حمید در مسندش از زید بن ارقم آورده است. (به نقل از کتاب علی در کتب اهل سنت ص ۱۸۷)) همان طور که می بینید بحث در این روایت بیان «اهل البیت» در آیه ی تطهیر نیست و ان شاء الله در بررسی روایات خواهید دید که در برخی روایات «اهل البیت» به صورت کلی آمده و در برخی روایات دیگر خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنها را تفسیر کرده و مراد از «اهل البیت» را فهمانده است. علاوه بر این که صدقه تنها بر موارد مذکور در حدیث زید بن ارقم حرام نیست بلکه بر هر کسی که از نسل عبدالمطلب باشد حرام می باشد. شیخ طوسی (ره) در کتاب «الخلافا» می فرماید صدقه حرام می باشد بر بنی هاشم از فرزندان ابی طالب، عقیل، جعفر و علی (علیه السلام) و فرزندان عباس بن عبدالمطلب و فرزندان ابی لهب و فرزندان حارث بن عبدالمطلب. و صدقه بر فرزندان مطلب، نوفل و عبد الشمس بن عبد مناف حرام نمی باشد. شافعی می گوید: صدقه ی مفروضه بر همه ی اینها حرام است و همه ی اینها فرزندان عبد مناف هستند (الخلافا، کتاب الوقوف و الصدقات ج ۲، ص ۲۲۷، مسئله ی ۴. (به نقل از مفاهیم القرآن ج ۵، ص ۳۱۲)).

نقد نظریه ششم: این نظریه می گوید: مراد از «اهل البیت» در آیه ی تطهیر، اهل کساء به همراه همسران پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می باشد. جمهور برادران اهل سنت قائل به این نظریه می باشد. عمده دلیل این عزیزان دو چیز است: (۱) روایتی که از ام سلمه نقل شده که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرض کرده: أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ؟ فَقَالَ (صلی الله علیه و آله): «بلى انشاء الله (مناقب خوارزمی: ۳۵۱/۳۰۶، شواهد التنزیل - حاکم حسکائی: ۲/۷۱۸/۶۰۲ و معالم التنزیل از البغوی: ۴/۴۶۵). (به نقل از حقوق اهل البیت فی القرآن الکریم ص ۲۳).

۲) وحدت سیاق آیات قرآن. چون آیات قبل و بعد از آیه تطهیر مربوط به همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) است، بنابراین وحدت سیاق اقتضا می کند که آیه ی تطهیر در مورد همسران پیامبر نیز باشد. اما دلیل اول به موارد ذیل نقد شده است:

الف) این روایت ضعیف السند است زیرا در سلسله سند آن عبدالرحمن ابن عبدالله ابن دینار است که توسط برخی از علماء رجال تضعیف شده و مورد طعن واقع شده است. (ر.ک: تهذیب التهذیب، ابن حجر: ۶: ۴۲۲/۱۸۷، میزان الاعتدال، ذهبی ج ۲: ۵۷۲/۱/۴۹۰، الجرح و التعديل، ابن ابی حاتم ج ۵: ۲۵۴/۱۲۰۴، الضعفاء الكبير، عقیلی ج ۲: ۳۳۹، دارالکتب العلمیه- بیروت- ط ۱۴۱۸/۲ ه.ق.)

ب) این روایت با روایات متعددی که از ام سلمه روایت شده که صراحت دارد به این که او داخل در زمره ی «اهل البیت» نیست، تضاد دارد. که در این جا به چند نمونه اشاره می کنیم. حاکم حسکانی عالم اهل سنت در ذیل آیه تطهیر روایات متعددی را نقل می کند از جمله این حدیث است:

عن شهر بن حوشب، عن أم سلمة أنّ رسول الله (صلی الله علیه وآله) قال لفاطمة (سلام الله علیها): يا بنية اثنتی بزوجک و ابنه فجاءت بهم فألقى رسول الله (صلی الله علیه وآله) علیهم كساءً فذکياً ثم وضع یدة علیهم ثم قال: اللهم إنّ هؤلاء آل محمد فاجعل صلواتک علی محمد و آل محمد فانک حمید مجید، قالت أم سلمة: فرفعت الكساء لأدخل معهم فجزبه من یدي فقال (صلی الله علیه وآله): انک علی خیر.

شهر بن حوشب از ام سلمه نقل می کند که رسول خدا به فاطمه (سلام الله علیها) گفت: دخترم همسرت و دو پسر را نزد من آور، او آنها را آورد، پس پیامبر (صلی الله علیه وآله) عبا ی فدکی را روی آنان انداخت و دو دستش را روی آنان گذاشت سپس گفت: خدایا اینان آل محمد هستند، پس صلوات خود را بر محمد و آل محمد قرار بده که تو ستوده و بزرگواری هستی. ام سلمه گفت: من عبا را بلند کردم تا من هم داخل شوم پیامبر (صلی الله علیه وآله) آن را از دست من گرفت و گفت: «تو بر خیر هستی.» و نیز نقل می کند: عن عمر بن ابی سلمة قال: نزلت هذه الآية: «انما یرید الله» فی بیت ام سلمة فدعا (صلی الله علیه وآله) علیاً و فاطمة و الحسن و الحسين فأجلسهم بین یدیه و دعا علیاً فأجلسه خلف ظهره، ثم جلّهم بالكساء ثم قال: اللهم هؤلاء اهل البيت فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً.

ثُمَّ قَالَتْ أُمُّ سَلْمَةَ: قُلْتُ: اجْعَلْنِي فِيهِمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَكَانِكِ وَأَنْتِ عَلَى خَيْرٍ.

عمر بن ابی سلمه گفت: این آیه «انما یرید الله» در خانه ی ام سلمه نازل گردید؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) علی و فاطمه و حسن و حسین را خواند و آنان را مقابل خود نشاند و علی را خواند و او را پشت سر خود نشاند آنگاه آنان را با عبایی پوشانید سپس گفت: خدایا اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آنان بر دار و آنان را پاکیزه کن. ام سلمه می گوید: گفتم یا رسول الله مرا هم در میان آنان جای ده، گفت: در جای خود باش و تو بر خیر هستی (حاکم حسکانی، سیمای امام علی (ع) در قرآن، ص ۲۶۶). از این گونه روایات، متعدد وجود دارد به گونه ای که آلوسی در تفسیر آیه ی تطهیر می گوید: و اخبار وارد کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، علی، فاطمه و دو فرزندشان را زیر عبا و فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله): «اللَّهُمَّ هُوَلاءِ أَهْلِ بَيْتِي» و دعا کردن برای آنها و وارد نکردن ام سلمه بیشتر از آن است که قابل شمارش باشد و این اخبار عمومیت «اهل البیت» را به هر معنایی که باشد تخصیص می زند، پس مراد از «اهل البیت» کسانی هستند که در زیر عبا قرار گرفته اند و همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) داخل در آنها نبوده اند (آلوسی بغدادی، روح المعانی: ۲۲/۱۲، ۲۱/۲۶، دارالفکر-بیروت-۱۴۱۷ ه.ق. (به نقل از حقوق اهل البیت فی القرآن ص ۲۴)).

همچنین جناب آقای طحاوی می گوید: إن المراد بما فيها هم رسول الله (صلی الله علیه و آله) و علی و فاطمه و الحسن والحسين دون ما سواهم، يدل علی مراد رسول الله (صلی الله علیه و آله) بقوله لأم سلمة في ما روي في هذه الآثار من قوله لها: «أنت من اهلي».

و در صفحه ی بعد می گوید: قد أحطنا علماً أن رسول الله (صلی الله علیه و آله) لما دعا من اهله عند نزولها، لم يبق من اهلها المرادين فيها احدٌ سواهم، و إذا كان ذلك كذلك استحال عن يدخل معهم فيما أريد به سواهم. (طحاوی، مشکل الآثار، ج ۱، ص ۳۳۶. (به نقل از حقوق اهل البیت فی القرآن ص ۲۴)).

ج) علاوه بر این که اگر چنین می بود که همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز داخل بودند باید از همه بیشتر خود آنها این مسأله را با افتخار روایت می کردند در حالی که در روایات مختلف از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) می بینیم، صراحت دارند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنها را در جمع «اهل البیت» نپذیرفته است.

اما دلیل دوم یعنی وحدت سیاق آیات قرآن: قبلاً اشاره کردیم که چنین وحدتی وجود ندارد.

دلیل دیگری که در رد این دیدگاه مطرح شده این است که همان گونه که قبلاً هم ثابت شد، آیه ی تطهیر آیه ای مستقل از آیات مربوط به همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) است و شامل آنها نمی شود.

دلیل بعد بر رد این نظریه این که «الف و لام» در «اهل البیت» برای جنس یا استغراق نیست بلکه «الف و لام» عهد است. و اشاره دارد به بیت معهود میان متکلم و مخاطب و آن بیت واحد است. و اگر این نظریه درست باشد لازم بود «اهل البیوت» گفته شود تا شامل همسران و فرزندان و متعلقان پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز بشود. و اگر مراد از «البیت» بیت نسب باشد، همچنان که گفته می شود: «البیت من بیوتات ربیعه». لازمه آن این است که «اهل البیت» تعمیم داده شود به هر کسی که منتسب به این بیت است اعم از نسبی و سببی و حال آنکه خوب می دانیم برخی از افراد منتسب نسبی به پیامبر (صلی الله علیه وآله) در هنگام نزول این آیه بت پرست و دشمن پیامبر بودند افرادی مثل ابولهب و ابوسفیان. (مفاهیم القرآن، ج ۵، ص ۳۱۲)

دلیل دیگر این که «اراده» در آیه ی تطهیر، اراده ی تکوینی است نه تشریحی. بنابراین نشان دهنده ی عصمت افراد مورد نظر است، و هیچ کس ادعا نکرده است که همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) معصوم از گناه و اشتباه باشند. بنابراین اختصاص به پنج تن آل عبا دارد. دلائل تکوینی بودن «اراده» در این آیه موارد ذیل است:

۱) منظور از اراده ی تشریحی همان اوامر و نواهی الهی است. و اراده تشریحی به افعال ما تعلق می گیرد نه افعال خداوند. در حالی که در آیه ی فوق، متعلق «اراده» افعال خداست. «خدا اراده کرده است که پلیدی را از شما ببرد». بنابراین چنین اراده ای باید تکوینی و مربوط به خواست خداوند در عالم تکوین باشد.

۲) این که «اراده ی تشریحی» نسبت به پاکی و تقوا، انحصار به اهل بیت (علیهم السلام) ندارد چرا که خدا به همه دستور داده است پاک و با تقوی باشند، در حالی که از آیه ی تطهیر استفاده می شود تنها - انما - این اراده ویژه خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله)

است و این به روشنی می‌رساند که متعلق این اراده که دوری از پلیدی‌ها و تطهیر ویژه‌ی الهی است - در خارج تحقق یافته است.

۳) آیه‌ی کریمه به گواهی روایات و احادیث بسیاری که در منابع حدیثی و تفسیری شیعه و اهل سنت آمده، متضمن تمجید و ستایش خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و اگر اراده در آیه کریمه، اراده تشریحی باشد، شامل همه مردم می‌شود و دیگر تمجید و ستایشی در بر نخواهد داشت.

البته باید به این نکته دقت کرد که اراده‌ی تکوینی که به معنی خلقت و آفرینش است در این جا به معنی «مقتضی است نه علت تامه» تا موجب جبر و سلب اختیار گردد. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۳، امامت و عصمت امامان در قرآن، رضا کاردان، ص ۱۶ - چاپ عترة - ۱۴۲۱ ه.ق - ط ۱).

پورسی نظریه هفتم

مراد از «اهل البیت» در آیه تطهیر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)، حضرت علی (علیه السلام)، حضرت زهرا (سلام الله علیها)، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) می‌باشند.

این نظریه مربوط به مذهب شیعه و برخی از بزرگان اهل سنت می‌باشد. دلایل اثبات این

نظریه:

اولاً: همان ادله رد و نقد نظریه‌های سابق می‌باشد. و ثانیاً: احادیث وارده از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌باشد. این احادیث که به صراحت مصادیق «اهل البیت» را بیان نموده در کتب شیعه و اهل سنت بسیار زیاد است. آنها با تعابیر و کیفیت‌های مختلف بر این حقیقت تأکید دارند که مراد از «اهل البیت» همین افراد خاص می‌باشند. برای نمونه تعدادی از آنها را می‌آوریم:

۱) در تفسیر طبری از عامر بن سعد روایت می‌کند که او می‌گوید: قال سعد: رسول الله (صلی الله علیه و آله): «حين نزل الوحي فأخذ علياً و ابنيه و فاطمة، و أدخلهم تحت ثوبه، ثم قال: «رب هؤلاء اهل بيتي.» (تفسیر طبری، ج ۹، ص ۲۱۷۳۸/۱۲ - مشکل الآثار/ طحاوی: ج ۱، ص ۳۳۲، دارالصادر، بیروت - مستدرک الحاکم: ج ۳/ ۳۷۰۸/ ۱۵۹ - السنن الكبرى/ بیهقی: ۵: ۱۲۲- ۱۲۳/ ۸۴۳۹، دارالمعرفه - درالمنثور/ سیوطی ج ۳۳/ ۵، بیروت - تفسیر ابن کثیر ج ۹، ص ۴۱۴)

۲) طبری روایت کرده است از ابی سعید خدری که گفته: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: نزلت هذه الآية في خمسة: في و في علي (رضی الله عنه) و حسن (رضی الله عنه) و حسين (رضی الله عنه) و فاطمه (رضی الله عنها) « انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت يطهرکم تطهیراً. » (به نقل از مفاهیم القرآن، ج ۵، ص ۲۸۶، دارالمنثور، سیوطی)

۳) احمد بن حنبل به سند خود از ام سلمه روایت کرده که می گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در خانه ی او بود که فاطمه (سلام الله علیها) دیگی سنگی آورد که در آن حریره بود، آن بانو را داخل اتاقش بردم، به او فرمود: شوهرت و فرزندان را بگو بیایند. ام سلمه می گوید: علی و حسنین (علیهم السلام) ، آمده بر او وارد شدند و از آن حریره خوردند، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در همه ی این مدت روی کسانی خیسری نشسته بود و من در حجره نماز می خواندم پس خدای تعالی آیه ی تطهیر را نازل کرد پس رسول خدا (صلی الله علیه وآله) زیادی آن کساء را بر سر آنان انداخت و کاملاً پوشانید سپس دست خود را بلند کرد و گفت: بار الها اینها اهل بیت و خاصه ی منند؛ خدایا پلیدی از آنان ببر و آن طور که خود می دانی تطهیرشان کن، من سر خود را از حجره بیرون کردم و عرضه داشتم: من هم با شما هستم؟ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: تو به سوی خیری. (مسند امام احمد بن حنبل ج ۳، ص ۲۹۲، نسخه ای که در مطبعه ی میمنه مصر به سال ۱۳۱۳ ه. ق چاپ شده است. این روایت را واحدی در اسباب النزول ص ۲۶۷ و طحاوی در مشکل الآثار ج ۱، ص ۳۳۲ و ۳۳۴، به دو طریق و محب طبری در ذخائر ص ۲۳ آورده اند: و در آخر روایت ذخائر این اضافه نیز آمده: من با هر که با ایشان بجنگند در جنگم و با هر کس که با ایشان آشتی باشد، آشتیم: دشمن هر کسی هستم که با ایشان دشمنی کند، و سپس می گوید: این حدیث را قبایی در معجم خود آورده. سیوطی در دارالمنثور در تفسیر آیه ی تطهیر گفته: این حدیث را ابن جریر طبری و ابن منذر و ابن ابی حاتم و طبرانی و ابن مردودیه از ام سلمه روایت کرده اند. (به نقل از کتاب علی در کتب اهل سنت ص ۴۶).)

۴) حاکم حسکانی از عمران بن ابی مسلم نقل می کند که گفته است: سألت عطیة عن هذه الآية: « انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیراً » فقال: أحدثک عنها بعلم، حدثنی ابو سعید خدری أنها نزلت فی رسول الله و فی الحسن و الحسين و فی فاطمة و علی و

قال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): اللَّهُمَّ هؤُلاءِ اهل بيتى فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً. و كانت ام سلمة بالبواب، فقالت: و أنا؟ فقال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إنك بخير و إلى خير. عمران بن ابى مسلم گفت: از عطيه درباره ی اين آيه «انما يريده الله» پرسيدم، او گفت: از روى آگاهى درباره ی آن با تو سخن مى گويم. ابو سعيد خدرى به من گفت: اين آيه راجع به رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و حسن (عليه السَّلام) و حسين (عليه السَّلام) و فاطمه (سلام الله عليها) و على (عليه السَّلام) نازل شده است و پيامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفت: خدايا اينان اهل بيت من هستند پس پليدى را از آنان بردار و آنان را پاکيزه کن. ام سلمه که بر در خانه بود گفت: و من؟ پيامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: تو بر خير و به سوى خير هستى.

شبيهه اين مضمون با پنج سند ديگر از ابوسعيد خدرى نقل شده است.

حاکم حسکانى در ذيل آيه تطهير ۱۴۷ روايت را آورده که در آنها تصريح شده است

که مراد از «اهل البيت» خيمه ی طيبه مى باشند.

۵) زمخشرى در تفسير آيه مباحله از همسر پيامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عايشه نقل مى کند که ايشان گفته است: روز مباحله خرج (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و عليه مرط مرجل من شعر أسود، فجاء الحسن فأدخله ثم جاء الحسين فأدخله ثم فاطمه ثم على ثم قال: «انما يريده الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت».

و امام فخر رازى بدون نام بردن از جناب عايشه، اين روايت را نقل کرده و اضافه مى کند:

بدان که اين روايت در ميان اهل تفسير و حديث همچون حديث صحيح و مورد اتفاق است

و شبلنجى مى گويد: اين روايت از طرق متعدد صحيح نقل شده است

۶) از عوام بن حوشب از پسر عمويش روايت است که گفت: با پدرم بر عايشه وارد شديم،

من از وي درباره ی على (عليه السَّلام) سؤال كردم، عايشه گفت: از من درباره ی كسى مى پرسى كه از محبوبترين مردم به سوى پيامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود، كسى كه دختر پيامبر و محبوبترين مردم به سوى پيامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همسر وي بود. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را ديدم كه على و فاطمه و حسن و حسين (عليهم السَّلام) را فرا خواند و بر آنان پارچه اى افكند و گفت: خدايا اينان اهل بيت منند، پس پليدى را از آنان دور ساز و آنان را به

گونه ای ویژه پاکیزه کن. عایشه گفت: به آنها نزدیک شدم و گفتم: یا رسول الله، من از اهل بیت شمایم؟ فرمود: دور شو، تو بر خیر می باشی.

همچنین روایات متعدد دیگری داریم که دلالت دارد بر این که پیامبر (صلی الله علیه و آله) هر روز صبح یا در پنج وقت نماز بر در خانه ی علی و فاطمه (علیهم السلام) می آمد و آیه تطهیر را می خواند. البته مدت زمانی را که پیامبر (صلی الله علیه و آله) این عمل را انجام می داد در این روایات متفاوت نقل شده برخی مدت یک ماه و برخی مدت چهل روز و برخی شش ماه و بعضی هفت ماه و بعضی هشت ماه و برخی دیگر نه ماه و برخی ده ماه و برخی دیگر هفده ماه ذکر نموده اند. البته اینها با یکدیگر منافات ندارد چرا که هر صحابی مدتی را که با آن حضرت بوده است و شاهد این عمل بوده بیان نموده و دیگر این که صدور پیاسی این عمل از سوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می رساند که واژه «اهل البیت» پس از آن که در معنای عرفی استعمال می شد. در این استعمالات در معنای اصطلاحی جدیدی که علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) به ضمیمه ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد بکار رفته و وضع جدیدی پیدا کرده است.

۷) سیوطی روایت می کند از ابن مردویه از ابن عباس که گفته است: شهدنا رسول الله (صلی الله علیه و آله) تسعة أشهر يأتي كل يوم باب علي بن ابي طالب (رضی الله عنه) عند وقت كل الصلاة، فيقول: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته اهل البيت» انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيراً» الصلاة رحمة الله.

۸) سیوطی روایت می کند از طبرانی از ابی الحمراء که گفت: رأيت رسول الله (صلی الله علیه و آله) يأتي باب علي و فاطمه ستة اشهر فيقول: «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيراً».

و ثالثاً: تصریح برخی علمای بزرگ اهل سنت به این که مراد از «اهل بیت» در این آیه افراد مورد نظر در نظریه ی هفتم می باشند، در این جا به مواردی از آنها اشاره می کنیم.

۱- ابوبکر نقاش در تفسیر خود گفته است: «جمع اکثر اهل التفسیر انها نزلت فی علی و فاطمه و الحسن والحسين» اکثر مفسران بر این عقیده اند که آیه ی تطهیر در شان علی، فاطمه، حسن و حسین نازل شده است.

۲- سید بن محمد بن احمد بنیس در شرح «همزیه البوصیری» گفته است: اکثر المفسرین آنها «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» نزلت فی علی و فاطمه و الحسین (رضی الله عنهم).

۳- سمهودی گفته است: «و قالت فرقه منهم الکلبی: هم علی و فاطمه و الحسن و الحسین خاصه للحادیث المتقدمه» گروهی که کلبی از آنها است گفته اند: آنان (اهل البیت در آیه ی تطهیر) فقط علی، فاطمه، حسن و حسین می باشند به دلیل احادیثی که پیش از این نقل گردید.

۴- ابو جعفر طحاوی پس از نقل احادیث کساء گفته است: «این روایات بر این مطلب دلالت می کنند که مقصود از اهل در آیه، پیامبر (صل الله علیه وآله)، علی، فاطمه حسن و حسین است و غیر از آنها مقصود نیست.

وی پس از نقل احادیث مربوط به تلاوت این آیه توسط پیامبر (صل الله علیه وآله)، بر درب خانه ی حضرت فاطمه (سلام الله علیها) گفته است: «فی هذا ایضا دلیل علی ان هذه فیهم.»
۵- ابوبکر حضرمی در کتاب «رشفه الصادی» گفته است: آنچه اکثریت علما گفته اند و بزرگان ائمه به صورت قطع برگزیده اند و براهین بر آن اقامه شده و دلایل فراوان بر آن دلالت می کند این است که مقصود از اهل بیت در آیه، علی، فاطمه و دو فرزندان آنان است و اختصاص آیه به آنان از جانب پیامبر خدا (ص) جز به امر الهی و وحی آسمانی نبوده است، روایات در این باره بسیار است. و با توجه به این دلایل و احادیث علم قطعی حاصل می شود که مراد از اهل بیت در آیه، علی، فاطمه و فرزندان آن دو رضوان خداوند بر آنان باد- می باشد. بنابراین، سخن نویسنده ی «روح البیان» که گفته است: «اختصاص اهل بیت به پنج تن، از اقوال شیعه است» قابل اعتنا نمی باشد. این سخنی است گستاخانه و شگفت آور. با توجه به احادیث و آن چه در کتاب های اهل سنت در این باره آمده است، سپیده ی صبح برای هر بینایی آشکار گردید.

۶- ملا علی قاری در «شرح فقه اکبر» در باب مربوط به تفضیل فرزندان صحابه، گفته است: «برخی گفته اند پس از صحابه فضیلت جز بر اساس علم و تقوا نخواهد بود و قول اصح این است که برتری فرزندان صحابه به ترتیب برتری خود صحابه است، جز فرزندان فاطمه (س) که به دلیل قرابتی که با پیامبر (ص) دارند بر فرزندان ابو بکر، عمر و عثمان برتر می باشند. آنان

عترت ظاهره و ذریه ی طیبه ای هستند که خداوند پلیدی را از آنان دور نموده و پاکیزه شان ساخته است.

۷- سیهودی پس از نقل احادیث مربوط به شرح نزول آیه ی مباهله گفته است: « و هؤلاء هم اهل الکساء فهم المراد من الآيتين (المباهله و التطهير).

۸- ابن صباغ مالکی در مقدمه ی کتاب « الفصول المهمه » در تعریف اهل البیت گفته است: اهل البیت چنان که مفسران در تفسیر آیه مباهله گفته اند بنا بر آنچه از « ام سلمه » روایت شده است عبارتند از: پیامبر (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام).

۹- حافظ گنجی شافعی گفته است: « الصحیح ان اهل البیت، علی، فاطمه و الحسنان » نظریه ی صحیح این است که اهل بیت عبارتند از: علی، فاطمه و حسن و حسین.

۱۰- حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث کساء و صلوات بر آل پیامبر و این که حدیث کساء در باره ی آل پیامبر است، گفته است: « بدان جهت حدیث کساء را آوردم تا روشن شود که مقصود از اهل بیت و آل پیامبر، اصحاب کساء می باشند. »

۱۱- ابن منصور ابن عساکر شافعی پس از نقل حدیث ام سلمه در باره ی این که اهل بیت پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین می باشند؛ گفته است: « هذا حدیث صحیح و الآیه نزلت فی هؤلاء المذكورین ». این حدیث صحیح است و آیه (ی تطهیر) در خصوص آنان نازل شده است.

۱۲- حافظ سلیمان قندوزی حنفی در کتاب « ینایع الموده » گفته است: « اکثر مفسران بر آنند که آیه ی « إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا » درباره ی علی، فاطمه، حسن و حسین نازل شده است، زیرا ضمایر « عنکم » و « یطهرکم » مذكر است.

۱۳- محب الدین طبری، آنجا که فضایل و مناقب امیر المؤمنین (ع) را بیان کرده است، اختصاص عنوان اهل البیت، خصوصاً در مورد دو آیه ی مباهله و تطهیر را به او و همسر و دو فرزندش از مناقب او دانسته است.

نتیجه این که همانگونه که خداوند متعال می فرماید: « و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون ». پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بیان کننده مفاد آیات قرآن است و خواننده ی منصف شاهد است که روایات فراوان از طرق متعدد از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) وجود دارد که مصداق «اهل البیت» را اختصاص به خمسة ی طیبه داده است.

بررسی واژه ی «اهل البیت» در روایات

اگر به کتب روایی و تفسیری و تاریخی شیعه و اهل سنت مراجعه داشته باشید حتماً به روایات متعددی بر می‌خورید که در آنها واژه «اهل البیت» آمده است باید ببینیم مراد از «اهل البیت» در این روایات چه کسانی می‌باشند.

این گونه روایات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱) روایاتی که صرفاً واژه ی «اهل البیت» را آورده اند، بدون بردن نام آنها.

۲) روایاتی که علاوه بر آوردن واژه ی «اهل البیت» مصادیق آن را هم مشخص نموده اند.

مورد اول: ما روایات فراوانی را در این مورد داریم که در این جا به چند مورد از

آنها اشاره می‌کنیم.

۱- حاکم نیشابوری به سند خود از حنش کنانی روایت کرده که گفت: اباذر غفاری را دیدم در حالی که درب خانه ی کعبه را گرفته بود، به صدای بلند فریاد می‌زد: ایها الناس هر کس مرا می‌شناسد همانم که می‌شناسد، و آن کس که مرا نمی‌شناسد بداند که من ابی ذرم از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شنیدم که فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هر کس که سوار شد نجات یافت و هر که تخلف کرد غرق شد...

۲- حاکم نیشابوری به سند خود از ابن عباس روایت کرده که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: ستارگان امان برای اهل زمین اند از غرق شدن، اهل بیت من نیز امان امتند از اختلاف، پس هر قبیله از عرب که با اهل بیت من در بیفتد دچار اختلاف گشته حزب ابلیس می‌شوند.

۳- هیشمی از پسر عمر روایت کرده که گفت: آخرین حرفی که از لبان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بیرون شد و بعد از آن از دنیا رفت این بود که بعد از من جان شما و جان اهل بیتم، سپس این حدیث را به طبرانی نسبت داده.

۴- سیوطی در درالمنثور در ذیل آیه ی مؤذت و محب طبری در ذخائر ص ۱۸ و به گفته ی وی احمد در مناقب و نیز مناوی در کنوز الحقایق ص ۱۳۴ و به گفته ی وی دیلمی آورده اند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: هر کس ما اهل بیت را دوست ندارد منافق است.

۵- حدیث متواتر ثقلین: ترمذی از ابی سعید خدری و زید بن أرقم از پیامبر (صلی الله علیه وآله) روایت کرده که: قال: «إنی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتُم به لن تضلوا بعدی، أحدهما

أعظم من الآخر: کتاب الله جبل ممدود من السماء الى الأرض و عترتی اهل بیته، و لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض».

مورد دوم: در این مورد هم روایات متعدد است که چند نمونه از آنها را بیان می کنیم.

۱- ترمذی از سعد بن ابی وقاص روایت می کند که گفت: لما نزلت هذه الآية: «فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم...» دعا رسول الله (صلی الله علیه و آله) علیاً و فاطمة و حسناً و حسیناً فقال: اللهم هؤلاء اهلی.

۲- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مرض موتش با مردم نماز گزارد و فرمود: ایها الناس نزدیک است قبض روح شوم و مرا ببرند، من این سخن را در این حال به شما می گویم تا دیگر عذری نداشته باشید، همه بشنوید که من کتاب خدای عزوجل و عترتم اهل بیتم را جانشین خود در میان شما می گذارم. آنگاه دست علی (علیه السلام) را گرفت و بلند کرد و فرمود: این علی با قرآن است و قرآن با علی است هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض مرا دیدار کنند از آن دو برسید از آنچه من در آن دو نهادم.

در این روایت می بینید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از بیان اهل بیت عملاً حضرت علی (علیه السلام) را نیز به مردم نشان می دهند و همراه قرآن بودن را که در حدیث ثقلین نسبت به «اهل البیت» دارد برای آن حضرت می آورد و این مفسر حدیث ثقلین می باشد.

۳- سیوطی در دارالمثور در ذیل آیه ی: «و اذ قلنا ادخلوا هذه القرية فكلوا منها...» (بقره) از ابن ابی شیبیه از علی بن ابی طالب (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: مثل ما، در این است مثل کشتی نوح در باب حطه است.

۴- حاکم نیشابوری به سند خود از علی بن الحسین (علیه السلام) خطبه ای را روایت کرده که حسن بن علی (علیه السلام) بعد از شهادت پدر بزرگوارش، ایراد فرمود، و در آن فضایل اهل بیت را برشمرد تا آنجا که فرمود: من از اهل بیته هستم که پروردگار عالم مودت ایشان را بر هر مسلمانی واجب کرده به پیامبرش دستور داده که: «قل لا أسألکم علیه اجرأ الا المودة فی القربی».

۵- از پسر عمر آورده اند که شخصی از او از وضع علی (علیه السلام) پرسید، گفت: او از اهل بیته است که احدی از بشر با ایشان مقایسه نمی شود.

۶- خطیب بغدادی به سند خود از جابر روایت کرده که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: علی بهترین فرد بشر است هر که در این شک کند کافر است.

۷- حاکم حسکانی عن ابن عباس قال: رسول الله (صلی الله علیه وآله) و الحسن و الحسين و علیاً و فاطمه مدّ علیهم ثوباً ثم قال (صلی الله علیه وآله): «اللهم هؤلاء أهل بیتی و حامتی فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً».

۸- در حدیثی از امام علی بن الحسین (علیه السلام) قال: خطب الحسن بن علی (علیه السلام) الناس حين قتل علی (علیه السلام) فحمد الله و أثنى علیه، ثم قال: «و إنا من أهل البيت الذی أذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً، و أنا من اهل البيت الذی افترض الله مودّتهم علی کل مسلم».

۹- قال الرسول الله (صلی الله علیه وآله): «من صلّى صلاة و لم یصلّ فیها علیّ و علی أهل بیتی لم تقبل منه».

۱۰- امام شافعی می گوید:

یا اهل بیت رسول الله حکم
کفاکم من عظیم القدر انکم
فرض من الله فی القرآن انزله
من لم یصل علیکم لاصلاة

۱۱- ابی الحسن بن جبیر می گوید:

احب النبی المصطفى و ابن عمه
هم اهل بیت اذهب الرجس عنهم
علیاً و سبطیه و فاطمة الزهرا
مواالاتهم فرض علی کل مسلم
و اطلعهم افق الهدی انجماً زهرا
و حبهم انسی الذخائر للاخری
و ما أنا للصحب الکرام بمبغض
فأنتی اری البغضاء فی حقهم کفراً

۱۲- حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ احَبَّنَا اهل الْبیتِ فَلیستمدَّ لَلْفقرِ جَلاباً». هر کس ما اهل پیامبر (صلی الله علیه وآله) را دوست بدارد، پس باید فقر را چونان لباس رویین بپذیرد.

همچنین مناوی حنفی در شرح حدیث ثقلین «و عترتی اهل بیتی» می گوید این تفصیل بعد از اجمال است به عنوان بدل یا بیان می باشد، و آنها اصحاب کساء هستند که خداوند رجس را از آنها برده است و آنها را پاکیزه گردانیده است.

و نیز حکیم ترمذی در مورد حدیث ثقلین می گوید: وقع علی الأئمة منهم السادة لا علی غیر هم.

نتیجه این که: روایات مورد دوم در واقع مفسر و بیان کننده ی احادیث مورد اوّل می باشند.

سخن پایانی

با توجه به روایاتی که شأن نزول آیه ی تطهیر را بیان می کرد و روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) و حتی سخنان علما و بزرگان در بیان مصادیق «اهل البیت» آمده است به این نتیجه می رسیم که واژه «اهل البیت» در لغت و عرف یک معنای عامی دارد و شامل همسر و فرزندان و منتسبان به مرد می باشد اما با توجه به وجود روایات فراوان در بیان مصادیق «اهل البیت» که در کتب شیعه و اهل سنت آمده اند، وضع جدید به خود گرفته و هنگامی که بدون بیان مصادیق صرفاً واژه «اهل البیت» به کار برود آنچه متبادر به ذهن ما می گردد خمسه ی طیبه (علیهم السّلام) می باشد. اما اگر گوینده بخواهد از این واژه مصادیق دیگر را بفهماند لازم است آنها را بیان نماید. همانگونه که حضرت علی (علیه السّلام) در نامه نهم نهج البلاغه این گونه می فرماید: و کان رسول الله (صلی الله علیه وآله) اذا احمرّ البأس، و احجم الناس؛ قدّم اهل بینه فوقی بهم اصحابه حرّ السیوف و الأسنّة، فقتل عبیده بن الحارث یوم بدر، و قتل حمزة یوم احد و قتل جعفر یوم مؤتة.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) هنگامی که آتش جنگ زبانه می کشید و دشمنان هجوم می آوردند، اهل بیت خود را پیش می فرستاد تا به وسیله ی آنها، اصحابش را از سوزش شمشیرها و نیزه ها حفظ فرماید؛ چنان که عبیده بن حارث در جنگ بدر و حمزه در احد و جعفر در موته شهید شدند.

در این جا می بینیم معنای عام «اهل البیت» مراد حضرت بوده و ایشان مصادیق آن را نیز بیان کرده است؛ اما می بینیم حضرت در نامه ی ۶۲ نهج البلاغه دیگر مصادیق «اهل البیت» را نام نمی برد چون مفهوم حقیقی آن مراد بوده است ایشان می فرماید: «فوالله ما کان یلقى فی روعی و لا یخطر بیالی، أن العرب تزعم هذا الامر من بعده (صلی الله علیه وآله) عن اهل بینه».

به خدا نه در فکرم می گذشت، و نه در خاطریم می آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از اهل بیت او بگردانند.

منابع

- ۱- قرآن
- ۲- محمد دشتی (۱۳۷۹) نهج البلاغه. قم: مؤسسه انتشارات مشهد.
- ۳- آیت ... جعفر سبحانی (۱۴۰۷) مفاهیم القرآن. قم: مؤسسه ی سید الشهداء العلمیه.
- ۴- امام جبار ... محمود بن عمر زرخشری (۱۴۱۵) الکشاف. قم: منشورات البلاغه.
- ۵- سید محمد باقر موسوی همدانی (۱۳۶۱) علی در کتب اهل سنت. تهران: کانون انتشارات محمدی.
- ۶- محمد علی خان مدنی حقوق اهل البیت فی القرآن الکریم. قم: مرکز الرساله .
- ۷- حاکم ابوالقاسم حسکانی سیمای امام علی در قرآن. ترجمه یعقوب جعفری، انتشارات اسوه.
- ۸- رضا کاردان (۱۴۲۱) امامت و عصمت امامان در قرآن. قم: انتشارات دلیل.
- ۹- علامه سید محمد حسین طباطبائی (۱۳۶۳) تفسیر المیزان، ترجمه ی سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- ۱۰- آیت ... ناصر مکارم شیرازی و جمعی دیگر (۱۳۶۳) تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۱- سید علی حسینی میلانی (۱۴۲۱) آیه التظهير. قم: مرکز البحوث العقائديه.
- ۱۲- شهید ایت ... دستغیب (۱۳۶۰) هششاد و دو پرسش، عتیق شیراز: انتشارات کتابخانه مسجد جامع.
- ۱۳- علامه ابن منظور (۱۴۰۵) لسان العرب. نشر ادب الحوزه.
- ۱۴- ابن حجر هیثمی (۱۴۱۷) الصواعق المحرقة. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۱۵- جلال الدین سیوطی (۱۴۱۱) الدر المثور. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۱۶- دار ابن حزم، صحیح مسلم. بیروت.
- ۱۷- تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، دارالمعرفه، بیروت.
- ۱۸- روح المعانی، آلوسی بغدادی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ ه.ق.